

ما هیچ، ما نگاه!

به صراحت باید گفت دولت اکنون تماشاگر گرانی هاست و با دچار شدن به نوعی بی عملی در وضعیت: "ما هیچ، ما نگاه!" قرارداد. یعنی صرفا حرف می زند و به گونه ای حرف می زند و شرایط را جلوه می دهد که انگار ما مرفه ترین مردم جهان هستیم و همه چیز رو به رشد است و شاخص ها از عرش موفقیت کوتاه نیامده و اندک مشکلات باقیمانده که کارسياه نماها یا بدخواهان است هم درآینده ای نزدیک حل خواهدشد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید علی دوستی موسوی در یادداشتی نوشت: وضعیت قیمت و بازار کالاها و خدمات اساسی به گونه ای غریب پیچیده شده است. درحالی که قیمت همه کالاها و خدمات اساسی به نحوی عجیب، رکوردشکنی کرده و می کند و هرج و مرج قیمتی حاکم است و نه مردم و نه بخش تولید از این وضعیت راضی نیست، دولت انگار درجهانی دیگر سیر می کند.

مردم به حق شاهد کوچکتر شدن سفره شان هستند، درآمدشان روز به روز در برابر غول تورم کاهش می یابد و قدرت خریدشان کمتر و کمتر می شود. مصرف کالاها و خدمات ضروری کاهش یافته و برخی اقلام مانند گوشت و ماهی و لبنیات از فهرست خرید خانواده ها حذف شده است، استانداردهای زندگی و سلامتی تنزل می یابد، دستیابی به چیزهایی که درخیلی کشورها جزو بدیهیات زندگی و حقوق اولیه افراد است مانند مسکن، خودرو به روز، لوازم خانگی با کیفیت، تفریح و مسافرت و امثالهم دراینجا به آمال غیرقابل دسترس تبدیل شده، شکاف حقوق کارگر و کارمند با مدیران بیداد کرده و استانداردهای دوگانه و "خودی پروری" در همه چیز مشهود است، صورت ها با سیلی سرخ نگهداشته می شود، سرها درگریبان است و این ماجرای تاسف بار و اثراش برجسم و روح مردم ادامه دارد.

دربخش تولید هم آن گونه که تولیدکنندگان می گویند و البته برخی از این گفته ها باید راستی آزمایی شود، قیمت مواد اولیه که تولید یا واردات آن دردست خود دولت و دستگاه های دولتی، خصوصی ها یا مجموعه های خاکستری انحصارگر است، با ترفندهای مختلف از ایجاد کمبود مصنوعی مداوم در بازارگرفته تا بهانه تراشی ها بخاطر رشد قیمت ارز و نوسان های تامین و موجودی و مانورهای مشابه دیگر روز به روز افزایش می یابد و لذا تولیدکنندگان هم به درست یا نادرست، دائما در وضعیت تقاضای افزایش قیمت فروش کالاهایشان قرار دارند.

یعنی دولت در فرآیندی جالب مواد اولیه بخش تولید را گران می کند اما در همان حال تولیدکنندگان را به گرانفروشی متهم و وعده برخورد می دهد و پس ازچند نهیب، مردم را در برابر قیمت های افزایش یافته به حال خود رها کرده و رو به افق خیره می شود.

تولیدکنندگان و واردکنندگان هم وقتی با این رفتار و سکوت دولت که چه بسا به چراغ سبز می ماند، مواجه می شوند، خزنده و غیر قانونی قیمت هایشان را افزایش می دهند و صدای اعتراض مردم در خبرسازی و پیچاندن و عددسازی مسئولان و وعده های بی سرانجام، توجیه ها و طرح های ناقص و مقطعی و فاقد کارآمدی گم می شود و به جایی نمی رسد و درنهایت هم قیمت ها خودرا تحمیل کرده و راه خود را می رود.

این چنین است که می بینیم بهای گوشت قرمز،حبوبات، لوازم خانگی، خودرو، شوینده ها، روغن موتور ولاستیک، برنج، روغن، دارو و خدمات پزشکی و طیف وسیع دیگری از کالاها وخدمات به طور دائمی رو به افزایش است.

اما واکنش مجموعه دولت به تمام این اتفاق ها، واقعا هیچ است. به صراحت باید گفت دولت اکنون تماشاگر گرانی هاست و با دچار شدن به نوعی بی عملی در وضعیت: "ماهیچ، ما نگاه" قرارداد. یعنی صرفا حرف می زند و به گونه ای حرف می زند و شرایط را جلوه می دهد که انگار ما مرفه ترین مردم جهان هستیم و همه چیز رو به رشد است و شاخص ها از عرش موفقیت کوتاه نیامده و اندک مشکلات باقیمانده که کارسياه نماها یا بدخواهان است هم درآینده ای نزدیک حل خواهدشد.

با این حال معلوم نیست چرا اثر این همه موفقیت و رشد شاخص در قیمت اجناس مغازه ها ،بنگاه های املاک، صرافی ها و سکه فروشی ها، نمایشگاه های خودروهای سواری، فروشگاه های لوازم خانگی و دریک کلام، معیشت و سفره و درآمد مردم اصلا مشاهده نمی شود.

البته چه خوب بود که کار به همین جا منحصر می شد اما افزایش انحصارها یا مانع تراشی قیمتی و مقرراتی در واردات کالاهای مصرفی که باید برای کاهش قیمت و رشد کیفیت، مکمل تولید داخل باشد، رو به رشد است و معلوم نیست سود این چرخه خاکستری و ناسالم را چه کسی می برد.

نمونه ها دراین باره فراوان است: تناقض گویی درباره ممنوعیت واردات برنج به کشور، ماندن کشتی های روغن خام و خوراک دام روی آب به دلیل تخصیص نیافتن ارز، تبدیل بورس کالا به ابزار گرانفروشی مواد اولیه تولید مانند آهن و فولاد و محصولات پتروشیمی و خودرو و افزایش شدید قیمت گوشت قرمز و تلاش برای جبران آن با گوشت بی کیفیت و یخ زده وارداتی یا گوشت سرهم بندی شده داخلی، تنها مشتی از خروار است.

لذا باید با بلندترین صدای ممکن فریاد کشید که آقایان از بی عملی، توجیه،خبرسازی، عددسازی و فرار به جلو از طریق متهم کردن منتقدان مصلح دست بردارید و با اقدامات واقعی به داد مردم برسید که اعصاب وحد تحمل مردم به نقطه جوش رسیده است.

مردم واقعا تحت فشار شدید مالی و اقتصادی هستند و جانشان به لبشان رسیده و این وظیفه دولت است که بجنبد و نرخ تورم و قیمت ها را به فوریت کاهش دهد. چرا عمق مشکل را حس نمی کنید؟

ایرانی که شما د آن زندگی می کنید، کجاست و چرا مردم آن را نمی بینند؟ یک کارمند یا بازنشسته چگونه این همه مخارج شب عید را با یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان جبران کند؟ با همان گوشت قرمزی که شما با ده ها خبرسازی و مصاحبه کیلویی ۲۳۰ هزار تومان درمیادین میوه و تره بار عرضه می کنید و تازه اگر پیدا شود، یک میلیون تومان از عیدی کارمندان و بازنشستگان بهای پنج کیلوگرمش می شود و می‌ماند ۸۰۰ هزار تومان و بقیه هزینه های هنگفت زندگی…

این قصه پرغصه و پر آب چشم مردم را می شود آن قدر گسترش داد تا “مثنوی هفتاد من” شود؛ اما مخلص کلام اینکه برای بار هزارم باید دلسوزانه هشدار داد تورم و قیمت ها مسئله اول کشور است اما دولت اهتمام لازم را به آن ندارد.

منبع: اطلاعات